



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 2345-5708 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://ipr.isri.ac.ir>

Volume: 13 ; Number: 27



The Nature and Types of Agency in the Islamic Political System with Emphasis on the Iranian Islamic Model of Progress¹

Mojtaba Jazebi *, Najaf Lakzaee**

Doi: <https://doi.org/10.22034/ipr.2025.499461.2227>

Receipt: 2025/04/07 - Accepted: 2025/08/07

(62-90)

Abstract

Agency is one of the components of the Islamic political system and refers to a set of human factors that act at different levels to form and manage the political system with their own will. The nature and types of agency are important questions that this article answers by relying on the Iranian Islamic Model of Progress. Data collection was based on library resources and their analysis was carried out using a descriptive-analytical method. The findings of this research clearly show that agency in the Islamic political system is an example of the exercise of legislative lordship and the legitimacy of its various levels is rooted in divine formational and legislative guardianship. Accordingly, merit-based selection of agents and a sacred attitude towards the exercise of power are among the requirements of this vision. Also, another result of this research is the identification of two types of agency in the Islamic political system. The first type of agency is carried out directly by the Imam and a number of his worthy representatives. The second type of agency is indirect and is realized through the community and popular institutions in contexts such as acceptance of the political system, consultation, active guardianship, and supervision. Thus, the realization of religious democracy is considered as one of the fruits of the sum of these two types of agency in the Islamic political system.

Keywords: Agency, active cause, Iranian Islamic model of progress, political progress, Islamic political system, legislative guardianship, democracy.

*. Researcher at the Center for the Encyclopedia of Intellectual Sciences affiliated with the Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA), mjazeabi@chmail.ir

** Professor of Political Science Department, Baqir Al-Uloom University (AS), nlakzaee@bou.ac.ir

1. This article is derived from a doctoral dissertation.



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق
پژوهشگاه مذکور مطابقتات سیاسی و دفاعی
P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720
نشانی پانگه نشریه: <http://ipr.isri.ac.ir>
سال سیزدهم، شماره بیست و هشتم

ماهیت و گونه‌های کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی با تأکید بر الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت^۱

مجتبی جاذبی*، نجف لکزایی**

Doi: 10.22034/ipr.2025.499461.2227

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶
(۹۰-۶۲)

چکیده

کارگزاری از مؤلفه‌های نظام سیاسی اسلامی به شمار می‌رود و اشاره به مجموعه‌ای از عوامل انسانی دارد که در سطوح مختلف با اراده خود به تشکیل و تدبیر نظام سیاسی اقدام می‌کنند. ماهیت و گونه‌های کارگزاری از پرسش‌های مهمی هستند که این مقاله با تکیه بر الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت پاسخ می‌دهد. جمع‌آوری داده‌ها بر پایه منابع کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل آن‌ها با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌های این تحقیق به‌وضوح نشان می‌دهد که کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی از مصادیق اعمال ربوبیت تشریحی به شمار می‌آید و مشروعیت مراتب مختلف آن ریشه در ولایت تکوینی و تشریحی الهی دارد. بر این اساس، شایسته‌محوری در انتخاب کارگزاران و نگرش قدسی به اعمال قدرت، از اقتضائات این بینش به شمار می‌آید. همچنین، از نتایج دیگر این پژوهش، شناسایی دو نوع کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی است. نوع اول کارگزاری، به صورت مستقیم از سوی امام و تعدادی از نمایندگان شایسته ایشان انجام می‌شود. کارگزاری دوم، غیرمستقیم بوده و از طریق امت و نهادهای مردمی در بسترهایی نظیر مقبولیت نظام سیاسی، مشورت، ولایت‌پذیری فعالانه و نظارت تحقق می‌یابد. بدین ترتیب، تحقق مردم‌سالاری دینی به عنوان یکی از ثمرات جمع این دو نوع کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: کارگزاری، علت فاعلی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت سیاسی، نظام سیاسی اسلامی، ولایت تشریحی، مردم‌سالاری.

* پژوهشگر مرکز دایره المعارف علوم عقلی وابسته به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی،
mjazebi@chmail.ir
** استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم،
nlakzaee@bou.ac.ir

مقدمه

نظام سیاسی اسلامی همانند سایر نظام های سیاسی برخوردار از کارگزارانی است که با تکیه بر مبانی نظری و به منظور رسیدن به اهدافی به کنشگری در سطح اجتماع اقدام می کنند. بخشی از کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی به صورت مستقیم است و تعداد محدودی به عنوان مسئول در بخش های مختلف به اعمال کارگزاری مستقیم می پردازند. بخش دیگر کارگزاری به گونه غیر مستقیم است و کارگزاران به اشکال مختلفی همچون رأی دهی و نظارت، در اعمال کارگزاری غیر مستقیم مشارکت دارند. آنچه وجه اشتراک نظام سیاسی اسلامی از سایر نظام های سیاسی محسوب می شود، پیوندی است که بین مبانی نظری دینی و مسائل عملی سیاسی وجود دارد. برخلاف نظام های سیاسی که دین را به حوزه امور فردی انسان محدود ساخته و نقش آفرینی دین در امور اجتماعی را نادیده گرفته اند، در نظام سیاسی اسلامی دین کارکردی جامع دارد. در این نگرش، دین عهده دار سامان بخشیدن به امور فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی و مادی و معنوی انسان است. از این رو، نظام سیاسی اسلامی بی آنکه گرفتار تفکیک های ساختگی همچون تفکیک دین از دنیا یا واقع از ارزش شود، از برکات آموزه های دینی برخوردار می گردد. به عنوان مثال می توان از توحید در ربوبیت تشریحی نام برد که از مبادی نظام سیاسی اسلامی است و نه تنها در سطح یک باور یا اندیشه انسان مسلمان متوقف نمی شود، بلکه تا حل مسائل نظام سیاسی اسلامی امتداد دارد. ربوبیت تشریحی الهی اقتضای آن دارد که همان گونه مشروعیت رفتارهای عبادی انسان تابع اراده تشریحی الهی است، مشروعیت نظام سیاسی اسلامی نیز در تداوم ربوبیت تشریحی الهی باشد. این گونه از نظام سیاسی هم در تشکیل و هم در تدبیر تابعی از اراده تشریحی الهی است. توضیح آن است که افزون بر تعلق اراده تکوینی الهی به خلقت انسان و بعثت انبیا، اراده تشریحی او به ضرورت تبعیت از انبیا، ائمه معصومین و فقهای جامع الشرایط تعلق گرفته است. تشکیل نظام سیاسی در عصر غیبت از سوی ولی فقیه یکی از مصادیق اعمال ربوبیت تشریحی الهی است. افزون بر آن، اقدام وی به تدبیر آن نظام در جهت رسیدن به وضوح مطلوب از دیگر مصادیق اعمال ربوبیت تشریحی است. مشارکت و همراهی مردم

به عنوان کارگزاران غیرمستقیم چیزی جز زمینه‌سازی برای تحقق ربوبیت تشریحی الهی نیست. مردم با اقداماتی نظیر ارائه مشورت، نظارت و ولایت‌پذیری سهم خود را در تحقق ربوبیت الهی در نظام سیاسی اسلامی ادا می‌کنند. خلاصه مطلب آن است که برخلاف نظام‌های سیاسی متعارف که با نادیده گرفتن حق ربوبیت تشریحی الهی، خود را کارگزار مستقل در تشکیل و تدبیر نظام سیاسی می‌بینند، کارگزاران نظام سیاسی اسلامی، مشروعیت اصل نظام سیاسی و مشارکت در تدبیر آن برای رسیدن به وضع مطلوب را در راستای ربوبیت تشریحی الهی می‌بینند.

بررسی کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی از آن جهت اهمیت دارد که با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران معاصر تلاش‌های سازنده‌ای در جهت گذار از وضع نامطلوب سیاسی اجتماعی به وضعیت مطلوب صورت گرفته است. از جمله این تلاش‌ها نگارش اسناد بالادستی نظیر سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. طبیعی است که کارگزاران نظام سیاسی نقش بی‌بدیلی در تدبیر گذار از وضع موجود به وضع مطلوب دارند. در صورتی که ماهیت کارگزاری و مجاری کنشگری در نظام سیاسی اسلامی تبیین نشود، اولاً از حیث نظری، تمایز نظام سیاسی پیشرفته از نظام سیاسی توسعه یافته روشن نخواهد شد و ثانیاً در عمل، تحقق نظام سیاسی اسلامی امکان تحقق نخواهد داشت.

سؤال اصلی این پژوهش را می‌توان در جمله «کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی چیست و گونه‌های آن کدام است»، تنظیم کرد. پرسش‌های فرعی به اموری نظیر ارتباط کارگزاری و اعمال ربوبیت تشریحی، اقتضائات باور به کارگزاری به مثابه اعمال ربوبیت تشریحی، نقش دولت در اعمال کارگزاری مستقیم و مجاری کارگزاری غیرمستقیم مردم تعلق می‌گیرد. پژوهش حاضر از نوع بنیادی است و داده‌های خود را با روش اسنادی جمع‌آوری می‌کند. اهداف این پژوهش آن است که با رویکرد توصیفی-تحلیلی اولاً ماهیت کارگزاری در نظام سیاسی پیشرفته و ثانیاً دو گونه کارگزاری مستقیم و غیرمستقیم در این نظام سیاسی را تبیین کند.

نوآوری این پژوهش در آن است که با تفسیر کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی به عنوان اعمال ربوبیت تشریحی، یکی از اقتضانات باور به ربوبیت تشریحی الهی را در نظام سیاسی اسلامی تبیین کرده و سرشت قدسی این نوع از نظام سیاسی را نشان داده است. همچنین با تفکیک دو گونه کارگزاری، امت را کارگزار غیرمستقیم در نظام سیاسی اسلامی معرفی کرده و گامی نو در جهت تبیین مردم‌سالاری دینی برداشته است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به نگارش درآمده و ابعاد مختلف آن را بررسی کرده‌اند. بخشی از آن‌ها در مجموعه مقالات کنفرانس‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (که تاکنون چهارده کنفرانس برگزار شده است) منتشر شده است. از جمله پژوهش‌هایی مرتبط با موضوع این پژوهش می‌توان موارد زیر را ذکر کرد؛ مجید امین نیری و مصطفی حاجی‌آقایی در مقاله «به‌کارگیری مؤلفه‌های اسلامی در الگوی پیشرفت»، مواردی همچون ایمان، عدالت و علم و فن‌آوری را به عنوان مؤلفه‌های الگوی پیشرفت تحلیل کرده‌اند.

سید صدرالدین موسوی و جواد قربی در مقاله «بررسی نخبگان در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ویژگی‌ها و کارکردها» ویژگی‌ها و کارکردهای نخبگان را در طراحی، تدوین و نظارت بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بررسی کرده‌اند.

لطیف عباسی، علی اصغر تجری و احمد مرادخانی در مقاله «تأثیر ویژگی‌های رفتاری کارگزاران در پیشرفت جامعه از منظر قرآن و حدیث» برخورداری کارگزاران سیاسی از اوصاف عالی اخلاقی و دینی را از شرایط لازم برای پیشرفت جامعه برشمرد و تحلیل کرده‌اند.

رقیه جاویدی در مقاله «شاخص‌های نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای» حاکم، مردم و کارگزاران را سه ضلع نظام سیاسی دانسته و شرایطی همانند فقاقت، تقوا و عدالت را برای حاکم و اوصافی نظیر صبر، بردباری و خدمت‌گزاری را برای کارگزاران ضروری برشمرد است.

آثار پیش گفته و جوهی از کارگزاری در نظام سیاسی پیشرفته اسلامی بررسی کرده اند. اثری که با تکیه بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نسبت بین کارگزاری در نظام پیشرفته با ربوبیت تشریحی الهی را بررسی کند و مراتب مستقیم و غیرمستقیم اعمال ربوبیت تشریحی را از یکدیگر بازشناسد، یافت نشد.

مفاهیم پژوهش

۲-۱. چیستی کارگزاری

در حکمت نظری اسلامی، علت فاعلی یکی از علل چهارگانه معلول است و اشاره به موجودی دارد که با اراده خود موجود دیگری را به عرصه وجود درآورده یا در آن تصرف می کند (ابن سینا، ۱۴۰۴ ق: ۲۵۷). علت فاعلی در دانش سیاسی به مجموعه‌ای از کارگزاران گفته می شود که با اراده خود نظام سیاسی را شکل داده و آن را تدبیر می کنند. اصطلاحات متعددی نظیر کارگزاران، کنشگران، سیاستمداران، تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان، عوامل اجرائی و منابع انسانی که درباره دولت و نظام سیاسی به کار می روند، بیان دیگری از علت فاعلی نظام سیاسی هستند. از این رو مقصود از کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی، ایفای نقش فاعلی در تشکیل و تدبیر آن نظام است (دلیر، ۱۳۹۶: ۳۰۲-۳۰۱).

۲-۲. چیستی نظام سیاسی اسلامی

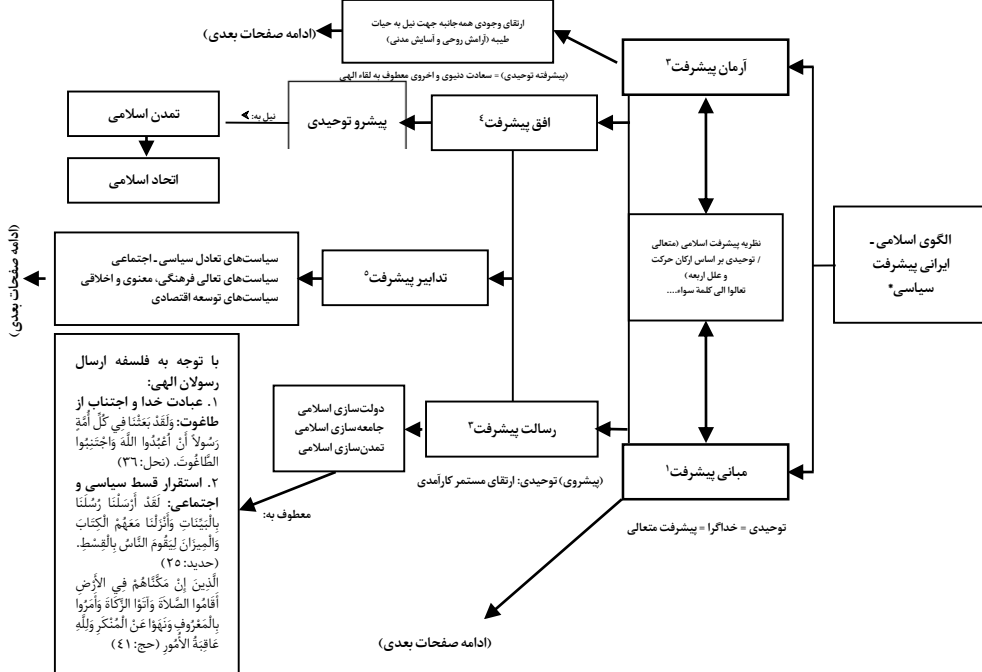
تعاریف متعددی از نظام سیاسی ارائه شده است. برخی آن را «شکل و ساخت قدرت دولتی و همه نهادهای عمومی اعم از سیاسی، اداری، اقتصادی، قضائی، نظامی، مذهبی و چگونگی کارکرد این نهادها و قوانین و مقررات حاکم بر آن‌ها» دانسته (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ۱: ۱۹۷) و بعضی دیگر معتقدند «کیفیت تنظیم، سازمان‌دهی و اداره امور ارتباطی، فرهنگی و اقتصادی هر اجتماع انسانی برای دستیابی به رشد مطلوب» نظام سیاسی خوانده می شود (نصرتی، ۱۳۸۸: ۴۰). تعریف دیگری نظام سیاسی را ابزاری که آدمی به واسطه آن و در سایه آن می تواند اهداف و آرمان‌های خود را محقق سازد دانسته است (حسن، ۱۳۸۹: ۳۲۴). در این پژوهش نظام سیاسی معادل حکومت است و به دستگامی گفته می شود که مدیریت کلان امور مختلف کشور در جهت رفع نیازها و تحقق اهداف را بر عهده دارد.

در یک تقسیم نظام‌های سیاسی همانند نظریه‌های سیاسی به اسلامی و غربی تقسیم می‌شوند. با استناد به قاعده فلسفی سنخیت علی و معلولی می‌توان گفت که اسلامی و غربی بودن نظریه‌ها و نظام‌های سیاسی بستگی به علل اربعه آن‌ها دارد. در صورتی که نظام سیاسی از سوی پیشوا یا اندیشمند مسلمان (علت فاعلی) با تکیه بر بنیادهای فکری توحیدی-الهی (علت مادی)، بهره‌گیری از ساختارهای مشروع (علت صوری) و در راستای تأمین غایات متعالی (علت غائی) تشکیل و تدبیر گردد، نظام سیاسی اسلامی شکل می‌گیرد. متقابلاً انواعی از نظام‌های سیاسی که متکی بر مبانی متافیزیکی سکولار-دنیوی، بهره‌گیری از ساختارهای متدانی و به‌منظور وصول به اهداف صرفاً دنیوی از سوی کنشگران سیاسی غربی ساخته شود، در زمره نظام‌های سیاسی غربی قرار دارند.

۲-۳. چیستی سند پیش‌نویس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

سند پیش‌نویس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران است که وضعیت مطلوب ایران اسلامی و فرایندهای کلان رسیدن به آن را تا سال ۱۴۴۴ ش ترسیم می‌کند. آخرین نسخه منتشر شده از این سند از ۵ بخش مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر تشکیل شده است. سند پیش‌گفته در حال تکمیل است و افزودن بخش دیگری با عنوان «اصول» از سوی اندیشمندان توصیه شده است. اجزای سند را می‌توان در نمودار ذیل ترسیم کرد.

ترسیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اسلامی



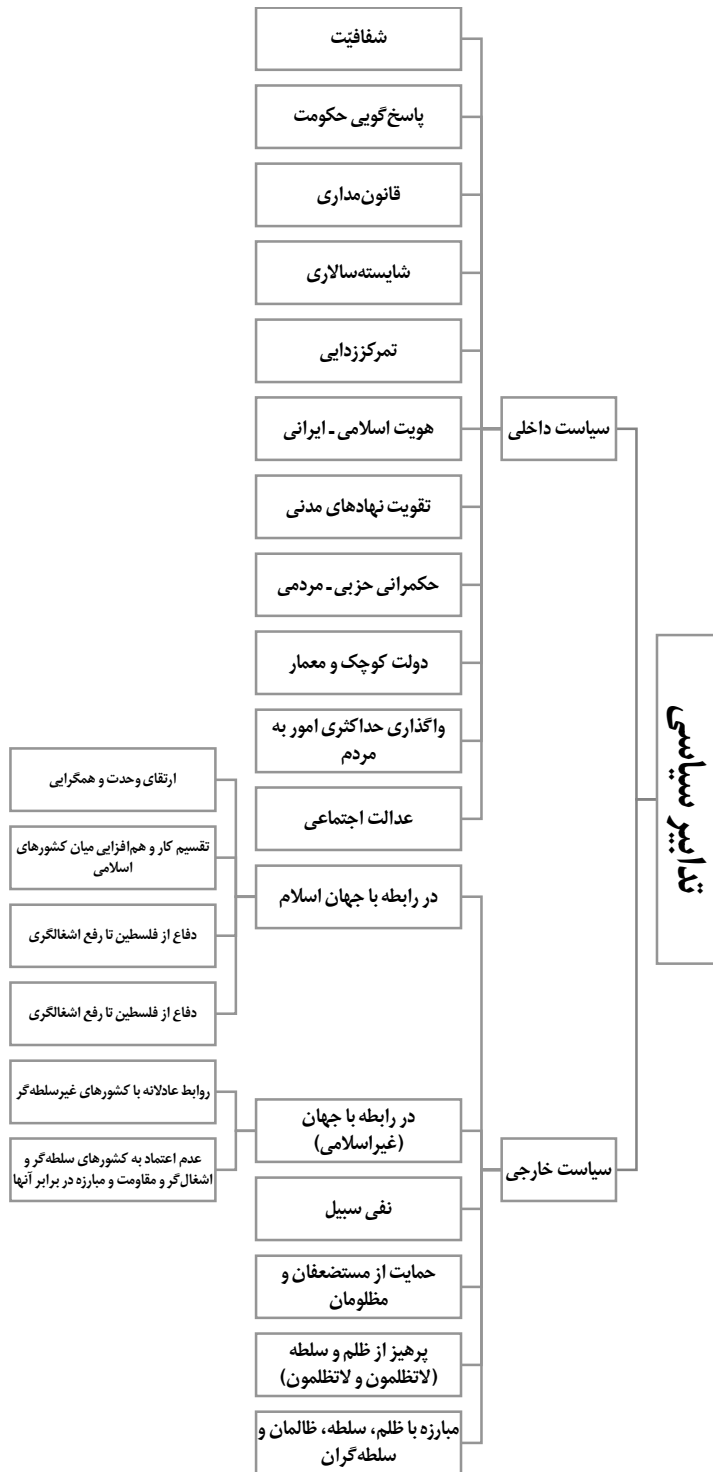
۱. **مبانی:** اهم پیش‌فرض‌های اسلامی، فلسفی و علمی جهان‌شمول معلوف به پیشرفت را ارایه می‌دهد.
 ۲. **آرمان‌ها:** ارزش‌های فرازمانی - فرامکانی و جهت‌بخش پیشرفت است. مبانی و آرمان وجه اسلامیت الگورا تضمین می‌کنند.
 ۳. **رسالت:** میثاق مشترک مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت است.
 ۴. **افق:** آرمان‌های الگورا بر جامعه و زیست‌بوم ایران در نیم‌قرن آینده تصویر می‌کند و هدف‌های واقعی آحاد مردم، جامعه و حکومت ایران را در آن موعده معین می‌سازد.
 ۵. **تدابیر:** تصمیمات و اقدامات اساسی و بلندمدت برای حل مسائل مهم کشور و شکوفا ساختن قابلیت‌های ماندگار ملی به‌منظور رسیدن به افق است.
 * در این مکتوب معلوف به پیشرفت سیاسی مطالب ارایه شده است، هر چند طرح کلی و کلان هم ابعاد و عرصه‌های پیشرفت را شامل می‌شود.

۱. ارتقای مادی: ارتقای شاخص‌های زندگی سیاسی در چارچوب حدود و موازین اسلامی

۲. ارتقای اخلاقی: ارتقای شاخص‌های اخلاق سیاسی مبتنی بر فضایل و جنود عقل

۳. ارتقای فکری و اعتقادی: از طریق تجلی همه اسماء‌الله و به‌ویژه انواع توحید (ذاتی، صفاتی، افعالی و عبادی) در ساحات سیاسی زندگی

(ادامه آرمان سیاسی)
 ارتقای وجود فرد، جامعه و دولت در همه ابعاد، ساحات، سطوح و مؤلفه‌ها؛ به‌منظور نیل به حیات طیبه





ماهیت کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی

الف: کارگزاری به مثابه اعمال ولایت تشریحی

از جمله مهم‌ترین امتیازات نظام سیاسی اسلامی نسبت به نظام‌های سیاسی آن است که باور به ولایت در مبادی انسان‌شناختی و دین‌شناختی این نظریه مفروض انگاشته شده است. ولایت در لغت اشاره به نسبت دو شیء دارد که بین آن‌ها امر غیر مرتبط با آن دو فاصله نشده و برای اشاره به قرب مکان، نسبت، دین، صداقت، نصرت و اعتقاد به کاررفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۸۸۵). این اصطلاح هم در امور نظری-حقیقی و هم در امور عملی-اعتباری به کاررفته است. مبتنی بر مبانی متافیزیکی و خصوصاً هستی‌شناسی متعالیه به عنوان علت مادی نظریه، خداوند خالق موجودات و مالک حقیقی آن‌هاست و به سبب مالکیت، حق تصرف در تمامی هستی را دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۴۶). در منابع دینی ولایت الهی بر مخلوقات در دو قسم ولایت تکوینی و تشریحی بیان شده است. مقصود از ولایت تکوینی آن است که امر خلق، رزق، میراندن، زنده کردن، حفظ کرات، آسمان و زمین و اداره شئون وجودی عالم امکان و سازمان ممکنات، مخصوص ذات بی زوال خداوند یگانه است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ۸۹). ولایت تشریحی اشاره به اختصاص حق تشریح احکام و جعل قوانین و نظامات عبادی، معاملاتی، مالی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قضایی و کیفری به ذات حضرت حق تعالی دارد (همان: ۱۱۰).

از منظر اندیشه شیعی در دوره حضور معصومین علیهم‌السلام، تنها آنان حق تولی و امامت امور مادی و معنوی مردم را دارند و در دوره غیبت ایشان، این حق منحصرراً برای فقیهی است که به سبب برخورداری از کمالات نظری و عملی شبیه‌ترین افراد به ائمه معصومین علیهم‌السلام باشد و به او «ولی فقیه» گفته می‌شود. این گونه از ولایت از سنخ ولایت تشریحی بوده و در طول ولایت تشریحی الهی قرار دارد. بدین معنا که حقانیت تصرفات فقها در امور مختلف با اذن الهی بوده و گونه‌ای از اعمال ولایت تشریحی الهی است. از این رو ولایت فقیه در عصر غیبت در تداوم امامت ائمه معصومین ع قرار دارد. ولایت تشریحی از حیث تاریخی عمری به درازای نبوت دارد و از حضرت آدم ع آغاز شده و تا واپسین روزگار انسان ادامه خواهد داشت (آذری

قمى، ۱۳۷۲: ۱۴۲). در دوره اسلامى نيز در عهد نبوى و علوى افرادى به عنوان «ولى فقيه» در گوشه و کنار دارالاسلام به ارائه خدمت مشغول بوده و در عصر غيبت صغرا و کبرا تا دوره معاصر فقهاى جامع الشرائط عهده‌دار انجام اين وظيفه بوده‌اند (جهان بزرگى، ۱۳۹۰). با عنايت به اينکه ولايت انبياء و ائمه بر نفوس و اموال شهروندان که در دانش فقه مطرح مى‌شود، منشعب از ولايت کليه الهيه است که در دانش عرفان مطرح مى‌شود (گرامى، ۱۳۸۲: ۳۱۰)، مى‌توان ولايت فقيه جامع الشرائط در زمان غيبت را نيز در طول و منشعب از ولايت تکوينى اولياء الهى اعم از انبياء و ائمه عليهم‌السلام دانست. همان‌طور که ملاحظه مى‌شود ولايت اولاً و بالذات اختصاص به خداوند دارد و ثانياً و بالعرض به اذن الهى به برخى از بندگان خداوند تسرى مى‌يابد.

در بخش «مبانى» سند پيش‌نويس الگوى اسلامى-ايرانى پيشرفت، برخى از مهم‌ترين باورهاي دينى که اين سند بر آن‌ها استوار است، بيان شده است. اصطلاحاتى همانند ولايت تکوينى و ولايت تشريعى در اين سند مورد اشاره قرار نگرفته‌اند. با اين حال، صفات «رب العالمين، مالک و حاکم مطلق هستى» بيان شده‌اند که نشان‌دهنده ولايت تکوينى خداوند هستند. افزون بر آن، اصلاحات «شارع و عادل در... تشريع» نيز به کاررفته‌اند که بر ولايت تشريعى الهى دلالت دارند (ن.ک. سند پيش‌نويس الگوى اسلامى-ايرانى پيشرفت). با تکیه بر مطالب پيش‌گفته مى‌توان گفت کارگزاري همان اعمال ولايت است و سطوح و مراتب مختلفى در عالم تکوين و تشريع دارد. خداوند والاترين مرتبه ولايت تکوينى و تشريعى را دارد و به عبارتى کارگزار مطلق عالم هستى است. انبياء و ائمه از سوى خداوند مأذون به کارگزاري هستند و در زمان غيبت ايشان، فقهاى جامع الشرائط عهده‌دار ايفائى نقش کارگزاري هستند و ساير مسئولين با اذن فقها به کارگزاري و ايفائى نقش تدبيرى مى‌پردازند.

ب: اقتضائات باور به ولايت در نظام سياسى اسلامى

از جمله اقتضائات باور به ولايت تکوينى و تشريعى الهى و نگرستن به کارگزاري به مثابه اعمال ولايت تشريعى آن است هرکسى صلاحيت عهده‌دارى نقش کارگزاري در نظام

سیاسی اسلامی را ندارد. تنها انسانی که قوای عقل نظری، عملی و مخیله او به اعلی مراتب کمال رسیده باشد، می تواند نقش کارگزاری عالی در این نظام را بر عهده بگیرد (فارابی، ۱۹۹۵: ۱۲۱-۱۱۸). از این رو می توان گفت فلسفه سیاسی اسلامی حق حاکمیت بر جوامع مختص به انسان های کامل و فرزندانگانه دانسته و به شایسته سالاری در کارگزاری باور دارد. در دانش حکمت سیاسی اسلامی عمدتاً از واژگان مَلِک و رئیس برای فرزندانگانه استفاده شده و بالاترین مرتبه ریاست، رئیس اول نامیده شده است (فارابی، ۱۹۸۶: ۴۳). مراتب بعد از ریاست اولی، ریاست سنت است که رؤسای این مرتبه، ریاست خویش را مبتنی بر شریعت ریاست اول سامان می بخشند (همو، ۱۹۹۸: ۹۰).

از دیگر اقتضائات باور به ولایت در نظریه پیشرفت سیاسی اسلامی، نگرش قدسی به قدرت سیاسی است. برخلاف نظام های سیاسی غربی که قدرت برخوردار از خاستگاه الهی را از آسمان به زمین آورده و در سطح انسان قرار داده اند (گشه، ۱۳۸۵: ۲۷) و در نتیجه از سرشت قدسی خود تهی شده است، در نظام سیاسی اسلامی پیشرفته، تعبیر دینی «ولّی» اولاً از جمله اسمای حسناى الهی دانسته شده و ثانیاً علاوه بر اینکه انبیاء و اولیای الهی مظهر اسم «ولّی» هستند، سایرین نیز باید کوشش کنند تا مظهر این اسم شوند (جوادی آملی، ۱۳۶۷: ۴۵-۴۴). از این منظر، کارگزاران سیاسی در واقع خلیفه الهی هستند و به میزان سعه وجودی خود متصف به اوصاف و اسمای الهی هستند (دلیر، ۱۳۹۷: ۳۶). مظهریت شخص امام علیه السلام و ولی فقیه نسبت به اسماء الهی موجب کمال نظری و عملی آن ها و در نتیجه باور به قداست آن ها می شود. قداست «امام معصوم» به معنای تأیید شدن به روح القدس، تنزیه از عیب و نقص و انجام افعال علمی و عملی که دیگران ناتوان از آن هستند، می باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۳۱۷-۳۱۶)؛ اما قداست «ولی فقیه» به معنای محبوبیت همراه با احترام شدید قائل است؛ زیرا انسان به علت کمال خاصی که در شخصیتی سراخ دارد به او محبت ورزیده و به وی احترام خاصی می گذارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۷۸).

گونه های کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی

در نظام سیاسی اسلامی تکثر عددی و نوعی کارگزاران به رسمیت شناخته شده است. در

تکثر عددی نظر به تعداد کارگزاران است و به تکثر خدماتی که از نظام سیاسی انتظار می‌رود، کارگزارانی به ارائه خدمت و رفع نیاز مشغول هستند. تکثر نوعی اشاره به نحوه حضور و مشارکت کارگزاران در تدبیر امور سیاسی-اجتماعی دارد. از این نظر کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی همانند سایر نظام‌های سیاسی رایج بر دو نوع مستقیم و غیرمستقیم است. کارگزاران مستقیم تعدادی از شایسته‌گان هستند که برخوردار از مسئولیت حاکمیتی در مناصب تقنینی، اجرایی و قضائی بوده و بخش عمده‌ای از معیشت آن‌ها وابسته به جوهی است که از دولت در ازای خدمت به مردم دریافت می‌کنند. این نوع از کارگزاری محدود بوده و تنها تعداد خاصی برای خدمت‌رسانی به کار گرفته می‌شوند. ۲. کارگزاران غیرمستقیم، عامه مردم هستند که اگرچه خارج از دستگاه‌های حکومتی هستند، اما از سویی به شکل مستقیم و غیرمستقیم در اعطای قدرت به مسئولین نقش داشته و از سوی دیگر با تبعیت و پذیرش اقتدار آن‌ها به تداوم مسئولیت و خدمت‌رسانی آن‌ها کمک می‌کنند. دولت و نهادهای دولتی محلی برای تجمیع اراده کارگزاران مستقیم هستند و احزاب و نهادهای مردمی مسئولیت سامان بخشی به مشارکت مردم به عنوان کارگزاران غیرمستقیم را به عهده دارند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

۴-۱. کارگزاری مستقیم؛ دولت و دولتمردان

منظور از کارگزاری مستقیم، اعمال قدرت مشروع سیاسی از سوی دولتمردان در درون نظام سیاسی اسلامی است. اعمال این گونه کارگزاری مستقیم در نظام و ساختاری به نام «دولت» منتظم می‌گردد. از این رو کارگزار اصلی و مستقیم در نظام سیاسی اسلامی، «دولت اسلامی» است که یک هستی عملی-اعتباری و متشکل از مجموعه‌ای از کارگزاران سیاسی مشروع و در جهت خدمت به مردم و رفع نیازهای آن‌ها خواهد بود. دولت کارگزار اصلی و عمده در صحنه جامعه بوده و با تأسیس انواعی از خرده نهادهای سیاسی انجام سه کار ویژه تقنین، اجرا و قضاء را در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و نظامی را به انجام می‌رساند (مصباح یزدی، ج ۱، ۱۳۹۱: ص ۱۰۶).

کارگزاران مستقیم افزون بر تکثر عددی، تکثر رُتبی دارند. تکثر رُتبی اشاره به

سلسله مراتب کارگزاری دارد که خود تابعی از کمالات عقل نظری و عملی کارگزاران است. کارگزاری که کمال بیشتری داشته باشد، حوزه اختیارات وسیع تر و حق اطاعت گسترده تری دارد. از حیث مصداقی در زمان حضور معصومین ع (انبیاء و ائمه) در والاترین مرتبه سیاست ورزی شخص معصوم قرار دارد و بخشی از اختیارات خود را به دیگر کارگزاران تفویض می کنند. مشروعیت اعمال قدرت در نظام سیاسی اسلامی در زمان غیبت ریشه در ولایتی دارد که ولی فقیه از آن برخوردار است. این ولایت در نهایت به ولایت خداوند منتهی می گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۲۷). با تفویض ولایت به سایر کارگزاران مستقیم، فقیه شخصاً و یا به واسطه نهادهای نظارتی به اعمال نظارت بر عملکرد آنان می پردازد (موسوی خمینی، بی تا: ۲۳۲). روشن است که تفویض مسئولیت تابعی از «مصلح مسلمین» است و در صورت وجود هرگونه خلل و نقصی در عملکرد مسئولین، ولی فقیه مستقیماً یا با واسطه سایر کارگزاران به عزل آن‌ها و جایگزینی اصلح اقدام کرده و مصلحت مسلمین را تأمین می کند.

در سند پیش نویس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تصریحی به کارگزاری انبیاء و ائمه ع در زمان حضور ایشان نشده است. تنها در بخش مبانی دین شناختی گفته شده است که «دین کامل، جهان شمول و نهایی، اسلام است که بر نبی خاتم صلوات الله علیه نازل و توسط آن حضرت ابلاغ و تفصیلات آن در سنت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام بیان شده است». در بخش «افق» سند درباره کارگزاری مستقیم ولی فقیه در زمان غیبت به صراحت گفته است که «ایران در آن زمان از تداوم رهبری فقیه عادل، شجاع و توانمند و ضمانت کافی برای سیاست‌ها، قوانین و نظامات مبتنی بر اسلام برخوردار است»؛ بنابراین می توان گفت سند پیش نویس الگو به نحو ضمنی به کارگزاری مستقیم ائمه معصومین ع اشاره کرده و به صراحت کارگزاری مستقیم ولی فقیه را متذکر شده است.

۴-۲. کارگزاری غیرمستقیم؛ مردم و نهادهای مردمی

۴-۲-۱. امت و نهادهای مردمی

برخلاف نظام‌های غربی که با برآموزه سکولار دولت-ملت و جامعه مدنی (رجانی، ۱۳۷۱:

۶) و نیز مفهوم مدرن و سکولار «شهروندی» اتکا دارند (جعفری نسب و خلعتبری لیماکی، ۱۳۹۸: ۹۱-۷۵)، نظام سیاسی اسلامی بر آموزه‌های متعالی با عنوان «امامت-امت» استوار است که به سبب خصلت طرفینی، برخوردار از دو طرف مرتبط‌المعنی است. یک طرف «امام» است که مسئولیت تنظیم امور دولت و سپردن مسئولیت به تعدادی از افراد به عنوان «کارگزار مستقیم» در نظام سیاسی اسلامی را به عهده دارد. طرف دیگر عموم مردم هستند که تعبیر «امت» به آن‌ها اطلاق می‌شود. «امت» اسم جمع است و شامل همه افرادی می‌شود که ذیل امامت امت زیست مادی، تعادل روانی و تعالی معنوی دارند. «امت» در نظام سیاسی اسلامی، کارگزاران غیرمستقیم محسوب می‌گردد؛ یعنی اگرچه فاقد قدرت مستقیم هستند، اما به نحو غیرمستقیم در اعطای قدرت سیاسی به کارگزاران مستقیم از طریق قبول قدرت آن‌ها و نیز عهده‌داری طیف گسترده‌ای از امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... تحت نظارت دولت نقش جدی ایفا می‌کنند (عمید زنجانی، ج ۲، ۱۳۶۷: ۷۰-۶۲).

آنچه از آیه شریفه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» استفاده می‌شود، نه تعاون فردی بلکه تعاون اجتماعی است؛ یعنی ضرورت دارد احاد امت بر اساس برّ و تقوی در ساخت اجتماع اسلامی همکاری کنند (تسنیم، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۵۴۸). بر این اساس و به تبع پذیرش سرشت مردمی و امت‌گرای نظام سیاسی پیشرفته اسلامی، اعضای امت اسلامی نقش مهمی در تمشیت امور و حصول غایات به عهده دارند. ایفای این نقش مسبوق به آن نگره است که دولت به تنهایی و بدون مشارکت مردمی نمی‌تواند همه امور را به انجام برساند؛ بنابراین تعاون امت و امام برای رفع نیازها و انجام امور، ضروری بوده و مردم به عنوان کارگزار غیرمستقیم به کمک دولت می‌آیند.

۲-۲-۴. مجاری کارگزاری مردم

نقش‌آفرینی مردم در تدبیر امور اجتماعی-سیاسی وجه اشتراک نظام‌های اسلامی و غربی است. تمایز این دو نظام از این جهت است که مشارکت مردم در نظام‌های غربی در قالب جامعه مدنی که الگویی لیبرالی و در مقابل ایده منشأ الهی حاکمیت قرار دارد (زرشناس،

۱۳۸۰: ۲۰) صورت می‌پذیرد؛ اما حضور و نقش‌آفرینی مردم در نظام سیاسی اسلامی به‌مثابه یک روش که زمینه‌ساز حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خود (معرفت، ۱۳۷۸: ۴۲) و ایجادکننده وفاق اجتماعی، کنش اجتماعی و نظم اجتماعی است (محمدی، ۱۳۷۶: ۸۷-۸۳)، موردپذیرش قرار می‌گیرد.

اصل پذیرفته شده در اندیشه سیاسی اسلامی معاصر آن است که مردم امور فردی، خانوادگی و اجتماعی را سامان بخشیده و دولت جز به هنگامی که انجام کاری از مردم ساخته نیست، وارد نخواهد شد. تعاون مسلمین به گسترده‌ترین شکل میان افراد امت در موضوعات مختلف از سویی و میان «امت» و «امام» از سوی دیگر شکل می‌گیرد و مردم در حوزه‌های مختلف امور اجتماعی عهده‌دار تدبیر و سامان بخشیدن به اقتصاد، علم، فن‌آوری و... هستند. تنها حوزه‌های امور خاص همچون امور نظامی و امنیتی که تکفل آن‌ها ذاتاً در صلاحیت دولت است و اقتضای آن دارد که به نحو متمرکز در اختیار دولت باشند، به عهده مردم نخواهد بود. نقش دولت در اموری که به مردم واگذار می‌شود، سیاست‌گذاری است و از همین رو دولت اسلامی را می‌توان «دولت سیاست‌گذار» نام نهاد (مصباح یزدی، ج ۲، ۱۳۹۱: ص ۵۴-۵۳).

در بخش‌های افق و تدابیر سند پیش‌نویس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به کارگزاری و نقش‌آفرینی مردم در نظام سیاسی اسلامی پرداخته شده است. افق سند، اداره ایران در سال ۱۴۴۴ را «با اتکا به آرای عمومی از طریق مشارکت آزادانه مردم در انتخابات به‌دوراز تهدید ثروت و قدرت و با بهره‌گیری نظام‌مند از مشورت جمعی نخبگان» دانسته است. این عبارت بر کارگزاری مردم اعم از نخبگان و عامه دلالت دارد. نظام سیاسی اسلامی در آن زمان هم از مشورت با نخبگان بهره‌مند است و هم مشارکت آزادانه مردم در انتخابات. افزون بر آن در بخش تدابیر سند پیش‌نویس بعضی از الزامات تحقق کارگزاری مردم در نظام سیاسی اسلامی ذکر شده است. تدبیر شماره هفتم به «تربیت نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی با تأکید بر فرهنگ جهادی و محکم‌کاری» تصریح دارد. همچنین تدبیر شماره چهل و پنج «حفظ و تقویت مردم‌سالاری دینی، مشارکت

مردمی، عدالت و ثبات سیاسی» را مورد تأکید قرار داده است. گسترش و تقویت تشکل‌های مردمی، ارتقای نظارت رسمی، مردمی و رسانه‌ای بر ارکان و اجزای نظام، اجرای کامل ضمانت‌های پیش‌بینی شده در قانون اساسی در حوزه آزادی‌های فردی و اجتماعی، آموزش و ترویج حقوق و تکالیف شهروندی و تقویت احساس آزادی در آحاد جامعه از دیگر تدابیری هستند که در متن سند پیش‌نویس به منظور ایفای بهینه نقش کارگزاری عموم مردم در نظام سیاسی اسلامی مدنظر قرار گرفته‌اند.

با تأمل در آموزه‌های اسلامی می‌توان گفت حضور، مشارکت و نقش‌آفرینی مردم در قالب‌ها و مجاری ذیل صورت می‌گیرد.

الف: مقبولیت نظام سیاسی

از جمله مباحث بسیار مهم و بنیادی در فلسفه سیاسی معاصر تعیین نقش و جایگاه مردم در نظام سیاسی است. نوع پاسخی که به این مسئله مهم داده می‌شود انواعی از رژیم‌های سیاسی همچون دیکتاتوری، دموکراسی و... را از هم متمایز می‌سازد. تتبع در تاریخ اندیشه سیاسی غرب میانه و مدرن مبین دو رویکرد تفریطی و افراطی در تعیین نقش مردم است. اتخاذ رویکرد تفریطی در دوره قرون وسطی منتهی به ظهور تئوکراسی مسیحی غیر مردم‌سالار شد. کما اینکه اتخاذ رویکرد افراطی نسبت به نقش‌آفرینی مردم، ظهور تدریجی انواعی از نظام‌های سیاسی مردم‌سالار غیرتوحیدی در دوره مدرن را نتیجه داد. این در حالی است که در قرائت متعالی از نظام سیاسی اسلامی از صدر اسلام تاکنون همواره با اتخاذ رویکرد اعتدال‌گرا و جامع‌نگر سعی در جمع بین حقوق خداوند و بندگان او داشته است. نتیجه اتخاذ این رویکرد ظهور «مردم‌سالاری دینی» در نظام سیاسی اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱).

قید دینی در ترکیب «مردم‌سالاری دینی» اشاره به حقیقتی دارد که فارغ بین این نوع از نظام سیاسی با نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی است. در لیبرال دموکراسی غربی، بی‌آنکه مشروعیت از مقبولیت جدا دانسته شود، خواست و پذیرش مردم را ملاک مشروعیت نظام سیاسی قلمداد می‌کنند. این در حالی است که در برخی از نظریات اندیشمندان مسلمان

میان مقبولیت و مشروعیت تمایز نهاده شده، مشروعیت امری الهی و آسمانی تلقی شده اما تحقق عینی، تداوم و کارآمدی نظام سیاسی منوط به حضور و مساعدت مردم دانسته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ ق: ۴۷۵). از این رو یک نظام سیاسی اسلامی از آن جهت که پذیرای نقش آفرینی مردم در تدبیر امور سیاسی اجتماعی است برخوردار از عنوان «مردم‌سالاری» بوده و از آن حیث که مشروعیت الهی دارد، متصف به وصف اسلامی می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۳۳۴).

ب: مشورت

آموزه دینی-عقلانی مشورت از جمله مصادیق پیوند ناگسستنی و متقابل میان امام و امت است و می‌توان آن را مقتضای رحمت الهی نسبت به امت اسلامی دانست (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲۹۶-۲۹۴). اگرچه مطلوبیت مشورت از حیث نظری مورد تأکید در نظام سیاسی اسلامی است اما عمل به آن در عرصه عملی ساختار مشخصی نداشته و به مقتضای زمان، مکان و مصالح اسلام و مسلمین صورت می‌گیرد. در یک تقسیم می‌توان مشورت را به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم دانست. در مشورت مستقیم کارگزاران نظام سیاسی مستقیماً و بدون واسطه با مردم مشاوره کرده و از آن‌ها نظرخواهی می‌کنند. این شکل از مشورت در زمان‌های گذشته به دلیل جمعیت محدود و بساطت امور کارآمد بوده است؛ اما امروزه به جهت گستردگی جمعیت و تخصص روزافزون امور چاره‌ای جز مشورت مستقیم با پاره‌ای از صاحب‌نظران متخصص و متعهد نیست (موسوی خمینی، همان، ج ۱۸: ۷). نخبگان فوق‌الذکر بخشی از مردم بوده که به منظور تأمین مصالح مسلمین نظرات تخصصی خود را ناصحانه به کارگزاران نظام سیاسی اسلامی عرضه می‌دارند. از این رو مشورت با آنان ضمن آنکه مشورت مستقیم با افراد محدودی شمرده می‌شود، به نوعی مشورت با سایر مردم که این نخبگان، سرآمد آن‌ها هستند، محسوب می‌شود. این نخبگان معمولاً در مراکز، نهادها، شوراهای و اندیشکده‌های تخصصی که در قانون پیش‌بینی شده است، حضور داشته و مشورت خود را در قالب اراده نظرات کارشناسی ارائه می‌دهند (سجادی، ۱۳۸۱: ۵۳).

مشورت مستقیم با توده مردم نوع دیگری از مشورت است که در نظام‌های سیاسی غربی

پیش‌بینی شده و در نظام حقوقی نظام سیاسی اسلامی پذیرفته شده است. این نوع از مشورت در قالب همه‌پرسی و با مشارکت عموم مردم در باره موضوعات مهم صورت می‌گیرد.

ج: ولایت‌پذیری فعالانه

از جمله ویژگی‌های نظام سیاسی اسلامی در مقایسه با نظام‌های سیاسی غربی تأثیرگذاری باورهای متعالی در ترسیم رابطه امام و امت است. بر اساس باور کلامی-سیاسی اسلامی، اعمال کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی گونه‌ای از اعمال ولایت تشریحی است که برای نبی ﷺ، امام ﷺ و فقیه ثابت است. کارگزار عالی، کامل‌ترین افراد بوده که برخوردار از وصف عصمت در زمان ظهور و عدالت در زمان غیبت است. سایر کارگزاران نیز نه شیفته قدرت بلکه خواهان خدمت به خلق الله هستند و در جهت اعتلای کلمه حق و رفع حاجات مردم اقدام می‌کنند. معیار اتخاذ تصمیمات و انجام امور چیزی جز مصالح اسلام و مسلمین نیست. از این رو وجود ملکه عصمت و عدالت در نفوس کارگزاران و باورداشت امت به خیرخواهی و سلامت نفوس کارگزاران جایی برای جایی ترمرد و نافرمانی باقی نمی‌گذارد؛ زیرا کارگزاران رشید به تدبیر مرشدانه نظام سیاسی پیشرفته که زمینه‌ساز رشد و هدایت انسان است، اقدام می‌کنند (غافر: ۳۸).^۱ بنابراین برخلاف برخی فرهنگ‌های سیاسی منحط که غیر مشارکت‌جویانه بوده و صرفاً اطاعت‌گری شهروندان را می‌طلبند (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۲۴۶)، در نظام سیاسی اسلامی «ولایت‌پذیری» آموزه‌ای است که تعیین‌کننده بینش‌ها و رفتارهای متعالی شهروندان بوده (طاهری، ۱۳۹۰) و آثار مهمی مثل اثر تکوینی در رشد نفوس و تعالی مرتبه آن‌ها دارد (سلیمانی، ۱۳۹۸).^۲

۱. وَ قَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ (الغافر: ۳۸).

۲. برادران، رزمندگان، یادگاران جنگ! یکی از شئون عاقبت به خیری «نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب» است. والله والله والله از مهمترین شئون عاقبت به خیری همین است. والله والله والله از مهمترین شئون عاقبت به خیری، رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید، مهمترین محور محاسبه این است؛ سخنرانی شهید

به جهت اهمیت ولایت‌پذیری است که در آیات قرآن کریم^۱ و روایات معصومین^{علیهم‌السلام} نسبت به پیروی از ولی الهی و اجتناب از تمرد و نافرمانی از اوامر او بسیار تأکید شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲۷۸)^۲ (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).^۳ طبیعی است که کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله و برآوردن نیازهای جامعه، به همکاری و همدلی مستقیم مردم بستگی دارد و به همان اندازه که مردم در همکاری‌های خود نسبت به دولت کوتاهی کنند، به همان اندازه از توان دولت در رابطه با انجام وظایف محوله کاسته می‌شود (معرفت، ۱۳۸۰: ۹۷). روشن است که همراهی و متابعت مردم در ادوار تاریخی مختلف به اشکال متنوعی صورت می‌گیرد. «بیعت» یکی از روش‌های رایج در دوره نزول وحی و حضور ائمه معصومین^{علیهم‌السلام} بوده و امروزه روش‌های دیگری همچون مشارکت در انتخابات و توجه به اولویت‌های اعلامی از سوی امام جامعه نشان‌دهنده ولایت‌پذیری است.

د: نظارت

نظارت از دیگر مفاهیمی است که در بردارنده مشارکت و نقش‌آفرینی مردم به عنوان کارگزار غیرمستقیم در نظام سیاسی اسلامی است. احتمال بروز خطا و تخلف عمد و سهو در تصمیم و رفتار کارگزاران، زمینه‌ساز حکم به ضرورت نظارت است. از همین روست که در تدبیر مطلوب نظام سیاسی و اجتماعی بر نظارت طرفینی دولت و مردم تأکید می‌شود.

۱. آیات متعددی از قرآن بر تبعیت و اطاعت مطلق از اولیاء الهی (مثل آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا اللهَ و اطیعوا الرسولَ و اولى الامر منکم»؛ سوره نساء: آیه ۵۹) و لزوم اجتناب از مخالفت با ایشان (مثل آیه شریفه «فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان یتصیبهنم فتنه او یصیبهم عذاب الیم»؛ سوره نور: آیه ۶۳) دلالت دارد.

۲. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه‌السلام بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَ حَجِّ الْبَيْتِ وَ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ الْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلِ الْبَيْتِ فَجَعَلَ فِي أَرْبَعٍ مِنْهَا رُحْصَةً وَ لَمْ يَجْعَلْ فِي الْوَلَايَةِ رُحْصَةً مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَالٌ فَلَيْسَ عَلَيْهِ حَجٌّ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضاً صَلَّى قَاعِداً وَ أَفْطَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ الْوَلَايَةَ صَاحِبِها كَانَ أَوْ مَرِيضاً أَوْ ذَا مَالٍ أَوْ لَا مَالٍ لَهُ فَهِيَ لِأَزْمَةِ وَاجِبَةٌ (ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ص ۲۷۸).

۳. و أَمَا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالتَّبِيعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُّكُمْ.

نظارت اجتماعی در آموزه‌های اسلامی در تعبیر «امر به معروف و نهی از منکر» بیان شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵).

نظارت مطلوب در نظام سیاسی اسلامی به دلیل تغذیه از منابع متقن و جامع معرفتی (وحي، عقل، شهود و تجربه)، نظارتی جامع و متعالی است؛ یعنی برخلاف نظام‌های سیاسی غربی که به منظور پیشگیری از وقوع تخلف و جرم کمتر به رشد و تعالی نفوس شهروندان توجه داشته و بیشتر بر شفافیت امور، اجرای قاطع قانون و نظارت مستمر بر رفتار اجتماعی شهروندان و کنش‌های سیاسی و اقتصادی آنان تأکید دارند (ساجدی، ۱۳۹۵)، در نظام سیاسی پیشرفته قبل از هر چیز بر خویشتن‌داری، خودسازی و نظارت درونی افراد جامعه بر نفس خود سخن می‌رود. نظارت متعالیه در نظام سیاسی اسلامی از نظارت فردی آحاد مردم بر نفس خویش آغاز شده و تا نظارت اجتماعی و سیاسی متقابل دولت و مردم بر یکدیگر امتداد می‌یابد. تأکید بر نظارت و خویشتن‌داری درونی از اختصاصات نظام سیاسی اسلامی است. امری که به خودساختگی شهروندان و مسئولین می‌انجامد و متعاقباً نیاز به نظارت بیرونی و مانیتورینگ که هزینه‌های فراوانی می‌طلبد، به میزان زیادی کاهش می‌یابد. حتی اگر نظارت سایر اشخاص و نهادها نباشد، کارگزار سیاسی اجتماعی متعالی به دلیل تقوای درونی از ارتکاب تخلف و جرائم سیاسی اقتصادی اجتناب می‌ورزد. اساساً به میزانی که نفوس افراد اعم از مسئولین و مردم از تقوا و تعالی تهی گردد، نیاز به نظارت بیرونی که از طریق ابزار و تجهیزات الکترونیکی همچون دوربین‌های مداربسته و نیز تأسیس نهادها و سازمان‌های نظارتی اعمال می‌گردد، بیشتر خواهد بود؛ بنابراین در نظام سیاسی پیشرفته، نظارت از سطح درونی آغاز شده و تا سطوح بیرونی امتداد می‌یابد (فوزی و بابایی، ۱۳۹۱).

البته تأکید بر نظارت درونی هیچ‌گاه از اهمیت نظارت بیرونی کم نمی‌کند؛ زیرا تنها انسان‌های محدودی برخوردار از ملکه عصمت و حد اعلای عدالت هستند و عقول عملی سایرین به مراتب متعدد ممکن است مغلوب شیطان و قوای شهویه و غضبیه واقع گردد و رفتار نامطلوب از آن‌ها سرزند؛ بنابراین به منظور پیشگیری از تخلفات و جرائم علاوه بر نظارت درونی، نظارت بیرونی نیز مدنظر قرار می‌گیرد.

نظارت بیرونی در نظام سیاسی متعالیه امری طرفینی است؛ یعنی از سویی حاکمیت بر مردم و از سوی دیگر مردم بر حاکمیت نظارت دارند. نظارت حاکمیت بر مردم به منظور احقاق حقوق عامه مردم و پیشگیری از تضییع حقوق آن‌ها توسط عده محدودی است که به سبب فقدان عدالت نفسانی قصد استثمار سایرین را دارند. لازم به ذکر است که نظارت دولت منحصر به نظارت بر مردم نیست بلکه علاوه بر آن بخشی از دولت بر سایر بخش‌ها نظارت می‌کند. سابقاً شخص حاکم به نظارت علنی (الهامی نیا، ۱۳۷۹: ۳۹) و پنهانی (الحمیری، ۱۴۱۳ ق: ۳۴۲)^۱ بر کارگزاران خویش اقدام می‌کرد و امروزه این مهم توسط نهادهای نظارتی انجام می‌گیرد.

نظارت مردم بر حکومت نیز امری ضروری است که همراهی آن با ویژگی‌هایی همچون خیرخواهی مورد تأکید است و مصادیقی همچون انتقاد، موعظه، تعریف، جدال احسن و تذکر دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۲۱). امروزه به دلیل پیچیدگی و تخصصی شدن امور بخش عمده‌ای از نظارت مردم بر حکومت توسط نهادهای سیاسی انجام می‌گیرد. مثلاً در ایران بعد از انقلاب اسلامی مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی که متشکل از منتخبان مردم هستند، به ترتیب بر عملکرد رهبری و دولت مردان نظارت می‌کنند (قانون اساسی ج. ۱.۱.۱: اصول ۱۱۱ و ۸۸).

نتیجه

تأمل در ماهیت کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی نشان می‌دهد که کارگزاری، اعمال ربوبیت تشریحی است و مشروعیت آن منوط به اذن الهی است. عالی‌ترین کارگزار سیاسی، نبی و پس از ایشان ائمه طاهرین علیهم‌السلام هستند و در دوره غیبت، ولی فقیه به عنوان کارگزار ارشد سیاسی به تدبیر نظام می‌پردازد. بر این اساس، تنها انسان‌های کامل صلاحیت عهده‌داری کارگزاری را دارند و این امر، نگرشی قدسی به کارگزاری می‌بخشد.

کارگزاری در نظام سیاسی اسلامی افزون بر آنکه امری متکثر است، به دو صورت

۱. حَدَّثَنِي الرَّبَّانُ بْنُ الصَّلْتِ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا وَجَّهَ جَيْشًا فَأَمَّهُمْ أَمِيرٌ، بَعَثَ مَعَهُ مِنْ بُقَاتِهِ مَنْ يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ»

مستقیم و غیرمستقیم اعمال می‌گردد. کارگزاران مستقیم، مسئولیت‌های رسمی را در نهادهای دولتی بر عهده دارند و در سه حوزه قانون‌گذاری، اجرا و قضا فعالیت می‌کنند. قانون، حدود اختیارات آنان را تعیین می‌کند.

کارگزاری غیرمستقیم از سوی مردم به‌عنوان امت اسلامی اعمال می‌شود. حضور و نقش‌آفرینی مردم در سامان‌دهی امور اجتماعی، آنان را به کارگزاران غیرمستقیم تبدیل می‌کند. مردم در این نوع کارگزاری برای رسیدن به غایات مشترک با یکدیگر تعاون می‌کنند. نقش‌آفرینی مردم در پذیرش حاکمیت و اعطای مقبولیت به آن از جمله کارویژه‌هایی مردم در نظام سیاسی اسلامی است. حضور مردم در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار غربی نقش مشروعیت‌آفرینی را ایفاء می‌کند. این در حالی است که نظام سیاسی اسلامی با رویکردی جامع‌نگرانه بین حقوق خداوند و مردم جمع کرده، مشروعیت را امری الهی و آسمانی و مقبولیت را امری مردمی و زمینی می‌داند که نتیجه آن ظهور مردم‌سالاری دینی است. از دیگر مصادیق کارگزاری غیرمستقیم مردم در نظام سیاسی اسلامی می‌توان به اموری نظیر مشورت، ولایت‌پذیری فعالانه و نظارت اشاره کرد.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال، قم، الیهادی.

ابن سینا، حسین (۱۴۰۴ ق). الشفا (الهیات)، (سعید زائد، مصحح). قم، مکتبه آیت الله المرعشی.

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳). نظارت بیرونی در نظام های سیاسی. حکومت اسلامی، (۳۳(۹)، ۱۴۰-۱۱۰.

آذری قمی، احمد (۱۳۷۲). ولایت فقیه از دیدگاه فقهای اسلام. قم، دارالعلم.

نصرتی، علی اصغر (۱۳۸۸). نظام سیاسی اسلام، چاپ ششم. مرکز نشر هاجر، قم، هاجر.

حسن، حسن عباس (۱۳۸۹). ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام، (مصطفی فضائلی، مترجم) چاپ سوم. قم، بوستان کتاب.

ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰). مبانی علم سیاست، جلد ۱، چاپ ششم. تهران، انتشارات توس. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). اقتدار ملی؛ جامعه‌شناسی سیاسی قدرت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، تهران. سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.

الهامی‌نیا، علی اصغر (۱۳۷۹). نظارت بر کارگزاران در حکومت علوی، حکومت اسلامی، (۱۸(۵)، ۲۶۲-۲۳۸.

جعفری نسب، سید حسین و خلعتبری لیماکی، حسام‌الدین (۱۳۸۹). تبیین نقش مبانی انسان‌شناختی سیاست سکولار در تحقق حقوق شهروندی و مقایسه آن با مبانی اسلام، مجله اخلاق زیستی، (۱(۹)، ۷۵-۹۱.

جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۸۰). تحول نظریه دولت در اسلام، (حسین دهنوی، ویراستار). تهران، مؤسسه دانش و اندیشه معاصر.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تسنیم، (مجید حیدری فر و روح‌الله رزقی، تنظیم‌گر). تهران، مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). نظارت عمومی، امر به معروف و نهی از منکر از عوامل پیشرفت، مجله پاسدار اسلام، ۳۰۰، ۸-۶.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). ولایت در قرآن، (محمدرضا مصطفی پور، ویراستار). تهران، مرکز نشر اسراء.

چیلکوت، رونالد (۱۳۷۷). نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، (وحید بزرگی و علیرضا طیب، مترجم). تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

الحمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ ق). قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت ع.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۷/۲۴). بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱/۳/۱۴). بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی ع.

دلیر، بهرام (۱۳۹۶). الگوی نظام سیاسی در حکمت متعالیه،

دلیر، بهرام (۱۳۹۷). وجوه سیاسی اسماءالحسنی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن، (صفوان عدنان داوودی، محقق). بیروت، دارالشامیه.

رجایی، فرهنگ (۱۳۷۱). فلسفه سیاست و مشکل ما، اطلاعات سیاسی اقتصادی، (۳) ۶۱ و ۶۲، ۱۰-۴.

زرشناس، شهریار (۱۳۸۰). جامعه مدنی، تهران، کتاب صبح.

ساجدی، ابوالفضل، «غرب متکی به نظارت بیرونی است، نه کنترل کننده درونی»،

<http://shabestan.ir/detail/News/596486>، قابل دسترس در: ۱۳۹۵/۱۰/۷

سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۱). مشورت و نظارت بر حکومت. پگاه حوزه، ۸ (۸۴)، ۸۷-۶۱.

سلیمانی، قاسم، «برادران، یکی از شئون عاقبت‌به‌خیری «نسبت شما با جمهوری اسلامی و

انقلاب» است»، ۱۷/۱۰/۱۳۹۸، قابل دسترس در: www.mizan.news/fa/news/584360

صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۱). ولایت تکوینی و ولایت تشریحی. قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.

صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۶۳). ولایت فقیه؛ حکومت صالحان. تهران، خدمات فرهنگی رسا.

طاهری، مهدی (۱۳۹۰). ولایت مداری در الگوی پیشرفت سیاسی اسلامی ایرانی. معرفت سیاسی، ۲ (۶)، ۱۳۴-۱۰۱.

طباطبایی (۱۳۷۴). تفسیر میزان. (محمدباقر موسوی، مترجم). قم، دفتر انتشارات اسلامی.

فارابی، محمد بن محمد (۱۹۸۶ م). کتاب المله و نصوص اخری. (محسن مهدی، محقق). بیروت، دارالمشرق.

- فارابی، محمد بن محمد (۱۹۹۵ م). آراء اهل المدینه الفاضله. (علی ابو ملحم، شارح). بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۹۹۶ م). السیاسة المدنیة. (علی ابو ملحم، شارح). بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- فوزی، یحیی و بابایی (۱۳۹۱). راهکارهای درونی و بیرونی نظارت در حکومت اسلامی با تأکید بر آرای امام خمینی. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱ (۲)، ۸۶-۶۳.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷). فقه سیاسی. تهران، امیرکبیر.
- الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، مصحح). تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- گر، تد رابرت (۱۳۷۷). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند. (علی مرشدی زاد، مترجم) (حمیرا مشیرزاده، ویراستار). تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گرامی، محمدعلی (۱۳۸۲). مصاحبه با آیت الله محمدعلی گرامی. در: امام خمینی و اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی (مصاحبه‌های علمی). تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- گشه، مارسل (۱۳۸۵). دین در دموکراسی و حقوق بشر. (امیر نیک‌پی، مترجم). تهران، نشر ثالث.
- مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷). سند پیش نویس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- محمدی، مجید (۱۳۷۶). جامعه مدنی به‌منزله یک روش. تهران، نشر قطره.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). پرسش‌ها و پاسخ‌ها. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). حکیمانۀ ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه. (قاسم شبان‌نیا، ویراستار). قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). حقوق و سیاست در قرآن. (محمد سهرابی، ویراستار). قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). نظریه سیاسی اسلام. (کریم سبحانی، ویراستار). قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰). امام علی و حقوق متقابل مردم و نظام سیاسی. کتاب نقد، ۱۸ (۱۰)، ۶۵-۸۷.

معرفت، محمدهادی (۱۳۷۸). جامعه مدنی، قم، مؤسسه انتشاراتی التمهید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ ق). انوار الفقاهه (کتاب البیع). قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام خمینی. تهران، تنظیم و تدوین مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، روح‌الله (بی‌تا). کشف‌الاسرار. بی‌جا، بی‌نا.